

جوانان کمونیست ۷۶

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۱۸ بهمن ۱۳۸۱
۷ فوریه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت



تیرهای دار را بر سرشان خراب کنیم

پیام بهرام مدرسی دبیر سازمان جوانان کمونیست به جوانان و دانشجویان

باز هم اعدام و دار زدن علنی مردم توسط رژیم اسلامی ایران به صدر اخبار رسیده است. در روزها و هفته های اخیر، موجی دیگری از برپایی چوبه های دار و بساط اعدام علنی براه افتاده است و جهانی را از اینهمه توحش منزجر کرده است. بیشتر قربانیان چوبه های دار علنی، محکومین «دادگاههای جنایی» اند. محکومین سیاسی را غالباً در خفا و یا با پرونده های ساختگی جنایی میکشند! و اینهمه برای ترساندن مردم است. اینهمه برای خریدن کمی وقت بیشتر برای حکومت مشرف به متوشان است.

جوانان، دانشجویان، مردم آزادیخواه!

این دارهاو اعدامها، مستقیماً همه ما را نشانه می گیرد. میخواهند با آدمکشی و نشان دادن طرفیت قساوت شان، ما، شما و همه آزادیخواهان را بترسانند! باید جلوی این قصابی و خونریزی اسلامی را گرفت.

محکومیت در هیچ دادگاهی نمی تواند توجیهی برای حکم مرگ هیچ بشری باشد. نگارید با فریب و ادعاهایی چون مجازات اشرا و متجاوزین، و هر بهانه دیگری چوبه های دارشان را برپا کنند.

باید پای هرچوبه داری که برپا می کنند، برای اعدام هر کسی و به هر بهانه ای، به بهانه اعتیاد یا قاچاق یا تجاوز و یا فعالیت علیه نظام، تجمع کرد و اجازه نداد این مومیایی های مبشر مرگ و نیستی جان کسی را بگیرند. باید با نیرو و زور خردمان ممنوعیت اعدام را اجرا کرد.

حکومت اسلامی رفتنی است، اما نباید اجازه داد بر سیر رفتن اش بیش از این قربانی بگیرد. باید چوبه های دار را بر سرشان خراب کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

ممنوع باد اعدام!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

۲ فوریه ۲۰۰۳

منصور حکمت، در باره:

سرمایه داری دولتی،

سرمایه داری رقابتی

و سوسیالیسم صفحه ۳



اعتراض لندن: پاسخ به حکومت اسلام و اعدام

با فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران واحد بریتانیا، میدان سنت جیمز در لندن دیروز چهارشنبه ۵ فوریه از

مردم ایران منفور است. مردم ایران دارند در صفوف دهها هزار نفره بر علیه حکومت اعدام و سنگسار اعتراض میکنند، و ما اجازه نمیدهیم این جانیان خارج از قلعه ها و حصارهایشان امکان جولان بیابند. صفحه ۴

سنگسار و شکنجه" به زبانهای فارسی و انگلیسی تا مسافتی دور بگوش میرسید. تظاهرات کنندگان آمده بودند تا به مماشات حکومت بریتانیا با حکومت اسلامی اعتراض کنند. سخنرانان میگفتند این حکومت در بین

صدای شعارهای مخالفین جمهوری اسلامی حال و هوای دیگری گرفته بود. شعارهای پر طنین "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "دست از حمایت جنایتکاران بردارید"، "زنده باد سوسیالیسم" "مرگ بر این رژیم ضد زن" و "ته به اعدام و

با شما نیز همان خواهیم کرد!



در تظاهراتهای ضد جنگ شرکت کنید
آرزو پویا صفحه ۶

محل برای ملاقات و گفتگو با شما
امید خدابخشی صفحه ۴

نمیخواستند که از زندان ساواک و سلطنت خود را رها کنند تا به زندان "حکومت خدا" و "عدل اسلامی" بروند. خواستهای مردم در اعتراضاتشان علیه شاه، همین خواستهای امروز جوانان، زنان، مردان و همه انسانهای آزادیخواهی بود که امروز یقه رژیم اسلامی را گرفته اند. آنها آزادی و برابری میخواستند، صفحه ۴

این روزها ۲۵ سال بعد از قیام مردم هم ربطی به واقعیت ندارند. **این امت مسلمان نبود که قیام کرد!** این مردم، جوانان، زنان و کارگرانی بودند که برای بدست آوردن حقوق خود، برای آزادی بیشتر، رفاه بیشتر و برابری به خیابانها آمدند و رژیم شاه را سرنگون کردند. آنها "امت مسلمان" نبودند چون

تاکتیکهای ما هستند. ما خواهان ایجاد جامعه ای انسانی هستیم. نتیجتاً سیاستهای ما هم سیاستهای انسانی و متضمن رسیدن به این اهداف انسانی است. ما خواهان یک جامعه سوسیالیستی هستیم. جامعه ای آزاد که تمامی انسانها آزادند، برابرند، و خوشبختی سهم همگان است. جامعه ای صفحه ۶

جنگ آمریکا علیه عراق: یک گفتگو

علی جوادی
Ali Javadi@yahoo.com
دوستی ناشناخته در یک مکاتبه اینترنتی از ایران بدون مقدمه قبلی از من پرسید آیا بنظر شما هدف وسیله را توجیه میکند؟

با کمی تعجب در یک پاسخ کوتاه گفتم نه؟ بنظر من هدف وسیله را توجیه نمیکند. به یک هدف انسانی نمیتوان با وسائل غیر انسانی دست یافت. سپس توضیح دادم که اهداف اصولی ما ناظر بر سیاستها و

مردم به او "گره نره" می گفتند) را مونیور می کردند، به بیت حاج آقا شتافتند و عکس ها گرفتند (از جمله عکس مقابل) و صدای "مبارک" ایشان را بارها پخش کردند و روی سایت های اینترنتی شان گذاشتند. اما حتی در مصاحبه ای که قرار است برای منتظری سمپاتی جلب کند نتوانستند ارتجاع عمیق ضد زن آیت الله را پنهان کنند. بی بی سی می پرسد: شما با اعضای خانواده تون در تماس هستید؟ و ایشان پاسخ میدهد: "خانواده که پیش من و دونفری در خانه هستیم!!"

بگذریم، تلاش برای حلوا حلوا کردن عقب مانده ترین و غیر انسانی ترین گرایشات سیاسی در ایران از جمله اسلام سیاسی که امثال منتظری و کدیور و آغا جری و گنجی نمایندگی میکنند، با وضعیتی که ایران دارد و با شعور و توقعاتی که مردم ایران و جوانان دارند آب در هاون کوبیدن است. جمهوری اسلامی از هر نوع و رنگ آن کارش تمام است. اما این عکس ها و این تلاش ها فقط اینرا نشان میدهد که بی بی سی چی ها از چه قماشی هستند. کار همیشه شان است. رهایی از دست رسانه های تا مغز استخوان مرتجع یک شرط رهایی بشریت امروز است.

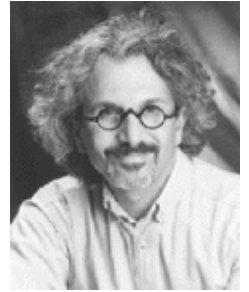
منتظری و بی بی سی

هر انسانی از اینکه بازداشت خانگی منتظری لغو شد طبعاً خوشحال است. منتظری هم، ولو مبدع نظریه ولایت فقیه، یک انسان است و حق دارد که کله سحر به زیارت فاطمه زهراش برود. اما بی بی سی و آن رسانه هایی که زمانی خمینی را در ماه کردند، از این واقعه بسیار مشغوف شدند. اینها که تمام عطسه های منتظری (که وقتی فقیه عالیقدر و "جانشین امام" جمهوری اسلامی بود،



آزادی، برابری حکومت کارگری!

جنگ آمریکا علیه عراق: یک گفتگو



علی جوادی

که کسی مجبور نباشد برای گذران زندگی کلیشاه را بفرشد. جامعه‌ای که از فقر و فلاکت درش خبری نباشد. جامعه‌ای که انسانها مجبور نباشند از صبح تا شب سک و بززند تا لقمه نانی برای خود و فرزندان خود تهیه کنند. و اگر کاری نداشته باشند، یعنی محکوم به گرسنگی و فقر و فلاکت باشند. جامعه‌ای که درش از کودک خیابانی خبری نباشد. جامعه‌ای که درش زن انسان فرودست و درجه دو نباشد. جامعه‌ای که دختر و پسر آزاد باشند. جامعه‌ای که سالمند به گوشه‌ای انداخته نشود. زن و مرد را پرده زندان حجاب و دیوار آپارتاید جنسی از هم جدا نکند. همگان بتوانند هر آنچه که میتوانند باشند. خودشان حاکم سرنوشته‌شان باشند. باز تاکید کردم نه هدف وسیله را برای ما توجیه نمیکند. و با تعجب پرسیدم اما منظور شما چیست؟

این دوست اینترنتی ادامه داد: اشکال حمله آمریکا به عراق چیست؟ مگر نه اینکه رژیم صدام یک رژیم دیکتاتوری فاشیستی و ضد انسانی است؟ خوب چه اشکالی دارد که آمریکا این رژیم را سرنگون کند؟ گفتیم آیا میدانید که این جنگ چه مصائبی بر مردم عراق وارد خواهد آورد؟ گفتیم آیا میدانید چه تعداد انسان بیگناه در این جنگ کشته و زخمی خواهند شد؟ آیا میدانید چه تعداد کودکی که تا روز قبل به مدرسه می‌رفتند، در فردای شروع جنگ باید در انتظار این باشند که کی و کی و میزبان بمب بر سرشان ریخته خواهد شد؟ و یا در کدام مخروبه‌های باید از ترس بمب "هوشیار" پناه بگیرند؟ میدانید که جامعه عراق در پس این بمبارانها تبدیل به مخروبه خواهد شد؟ آیا میدانید که بر طبق گزارش سازمان ملل که در نشریه نیویورک تایمز هم منتشر شده است، بر آورد میشود که این جنگ ۵۰۰ هزار کشته و زخمی خواهد داشت؟ گفتیم آیا میدانید که سازمان پزشکان بدون مرز برآورد کرده است که در صج اولیه تهاجم آمریکا نزدیک به صد هزار انسان غیر نظامی کشته خواهند شد؟

این دوست اینترنتی با خوسردی خاص و کمی آزار دهنده گفت خوب این بهایی است که برای خلاصی از شر صدام حسین مردم عراق مجبور به پرداخت آن هستند. هزینه‌ای است که مردم عراق برای رهایی از شر این رژیم دیکتاتوری باید بپردازند؟ با تعجب پرسیدم که کدام مردم در کدام پورسه سیاسی رای و اراده و نظر خودشان را اعلام کرده‌اند که برای

جوانان کمونیست

مردم عراق است؟ سپس پرسید شما بین وضعیت فلاکتبار موجود و یک حمله سریع آمریکا و کشته شدن تعدادی کدام را انتخاب میکنید؟ در پاسخ گفتم: هیچکدام. نه وضعیت موجود مورد نظر ماست و نه وضعیتی که آمریکا در پی جنگ ایجاد خواهد کرد. مگر این مردم چه گناهی کرده‌اند که هم باید به دست صدام کشته شوند و هم بدست آمریکا! آیا راه حل دیگری موجود نیست؟ بعلاوه خود آمریکا در وضعیت فلاکتبار موجود مردم عراق شریک است. ده سال است که عراق محاصره اقتصادی است. دارو و مواد غذایی و لوازم بهداشتی این مردم را گروگان گرفته‌اند. بر طبق آمار دانشگاه هاروارد تحریم اقتصادی منجر به کشته شدن ۲ تا ۳ هزار کودک در ماه در عراق میشود. تحریم اقتصادی خود یک سلاح کشتار دسته جمعی است.

لحنش کمی عوض شد. در ادامه گفت که صدام حسین دارای سلاحهای کشتار دسته جمعی است. باید خلع سلاح شود. در پاسخ گفتم نه تنها صدام حسین باید خلع سلاح شود بلکه تمام کسانی که دارای سلاح کشتار دسته جمعی هستند باید خلع سلاح شوند. جهان باید از شر سلاحهای کشتار دسته جمعی خلاص شود. و اگر معیار دوگانه و اخلاقیات دو گانه مبنای قضاوت سیاسی ما نباشد باید این خلع سلاح را از جایی شروع کرد که تاریخچه کار برد آن را دارد. یکبار در هیروشیما و ناکازاکا صدها هزار نفر را در ظرف چند ساعت سوزاندند و خاکستر کردند. گفتم فراموش نکنید که چه کسانی صدام را به سلاحهای کشتار دسته جمعی مجهز کردند؟ کسانی که امروز رسماً وعده میدهند در صورت لزوم از کاربرد سلاحهای تاکتیکی اتمی در این جنگ استفاده خواهند کرد نمیتوانند نیروی قابل اتکایی برای آزادی مردم عراق باشند. این روش بیمارگونه‌ای برای خلع سلاح اتمی هر کسی است. نیروی که خود تا دندان به سلاح اتمی مجهز است نمیتواند مدعی خلع سلاح اتمی یک رژیم فاشیستی باشد.

این دوست اینترنتی ادامه داد. آیا شما معتقدید که مسئله آمریکا نفت عراق است؟ فکر میکنید که آمریکا به خاطر کنترل نفت عراق دارد دست به این لشکر کشی میزند؟ گفتم. کنترل بر بخش مهمی از منابع استراتژیک نفتی جهان که دو سوم آن در خلیج فارس قرار دارند مسلماً یکی از اهدافی است که در پس این تهاجم آمریکا به عراق تهاجم خواهد شد که کنترل انحصاری در استراتژیکی بر این منابع داشته باشد. اگر عراق به جای منابع نفتی دارای باغهای مرکبات بود، مساله تا حدودی فرق میکرد. شاید در راس مثلث "شرف" قرار داده نمیشد. اما بنظر من مساله اساسی تر موقعیت جهانی آمریکا در دوران پس از جنگ سرد است. آمریکا میکوشد تا سیاسی جهان، معادلات حاکم بر جهان و در یک کلام چهره جهان را بر مبنای منافع خود به مثابه تک ایر قدرت جهان تعریف و تحکیم کند. موقعیت ژئودارمی آمریکا آن منفعت اساسی است که در پی تحقق آن بیش از ۱۵۰ هزار سرباز آمریکا

را روانه خلیج فارس کرده‌اند. منافع اقتصادی سرمایه های آمریکا پس از تحکیم موقعیت برتر آمریکا براحتی تامین خواهد شد. نکته دیگری نداشت. اما من کماکان ادامه دادم. گفتم آمریکا در پی اهداف میلیارستی خودش دست به این لشکر کشی میزند. باید در مقابل این نمایش قلدری و زورگویی ایستاد. امروز مردم آزادیخواه در جهان دست به اعتراض بر علیه این جنگ خانمانسوز زده‌اند. در آمریکا هر هفته در شهرهای مختلف تظاهراتی علیه این جنگ جریان دارد. در واشنگتن در چند هفته گذشته ۵۰۰ هزار نفر دست به اعتراض زدند. در سانفرانسیسکو ۲۰۰ هزار نفر اعتراض کردند. گفتم که مردم عراق خواهان سرنگونی صدام است. اما سرنگونی صدام اگر قرار است حلقهای در راه آزادی و سعادت مردم عراق باشد، باید بدست نیروهای آزادیخواه و سوسیالیست و مردم زحمتکش عراق صورت گیرد. سرنگونی صدام کار جنبشهای اجتماعی مترقی و پیشرو در عراق است. گفتم که پاسخ ما تلاش برای جلوگیری از این جنگ، تلاش برای لغو تحریم اقتصادی عراق و تلاش برای سرنگونی صدام است.

در تظاهراتی ضد جنگ شرکت کنید!

آرزو پویا

در ۱۵ فوریه ۲۰۰۳ تظاهرات گسترده ای در لندن با شرکت تمامی گروه‌ها و اشخاصی که مخالف جنگ آمریکا و انگلیس و هم پیمانان غربی شان با عراق هستند ، صورت می گیرد از یکی از اعضا سازمان جوانان کمونیست (برای مرادی) پرسیدم که انگیزه اش برای شرکت در این تظاهرات ضد جنگ چیست ؟ او در جواب گفت : شرکت در این تظاهرات ضد جنگ اهمیت زیادی دارد از این جهت که آمریکا با این جنگی که راه انداخته می خواهد در مسئله را جا بندازد که دیگر مردم در آینده شان نقشی ندارند ، وجود انسان های آزادی خواه را سانسور می کنند، فریادها را خفه می کنند و می خواهند بگویند همین است که هست. مردم یا باید به جنگ تن دهند یا از گرسنگی و بی دارویی و فقر کشته شوند.

ما باید حتما در این تظاهرات ها حضور داشته باشیم ، تظاهرات های منسجم همگام با جنبش های کمونیست کارگری زیر پرچم آزادی خواهی. کمونیست کارگری به منبیت اصراع می ورزد و برای ساقط کردن حکومت ها روی طبقه کارگر و انسان های آزادی خواه حساب می کند. در واقع حزب کمونیست کارگری به جنگ نه می گوید، به محدود کردن غذا و داروی انسان ها نه می گوید، به بنا کردن پایگاه های نظامی روی خرابه های خانه ها ، مدرسه ها و بیمارستان ها نه می گوید .

آرزو: اگر در نظر بگیریم که آمریکا و انگلیس بالاخره این جنگ را عملی کنند به نظر تو اثر شرکت مردم در این تظاهرات های ضد جنگ چیست ؟ رضا : من با این باور در تظاهرات شرکت می کنم که حضور انسان ها اهمیت دارد. اگر کارگران دست به اعتصاب بزنند ، و در حمل و نقل ابزار جنگی و سربازها سر باز زنند

و بدون اینکه ستوالی در این زمینه کرده باشد اضافه کردم هرگونه امید و توم به اینکه چنین پروسه‌ای در ایران تکرار شود. تنها یک امید واهی و پوچ است. در ایران مردم دست اندر کار سرنگونی رژیم اسلامی هستند. باید به این جنبش سرنگونی سرعت بیشتری بخشید. صبر و انتظار مبنی بر اینکه نیرویی مانند آمریکا دست به سرنگونی رژیم اسلامی ایران بزند، تنها باعث تداوم عمر این رژیم کثیف اسلامی است. هرگونه حمله نظامی آمریکا مبارزات اجتماعی مردم را قبیچی میکند. مردم را از خواستها و مطالبات خود دور میکند. رژیم اسلامی را باید به قدرت مردم با اتکاء به نیروی مردم آزادیخواه سرنگون کرد. سرنگونی رژیم حلقهای در پروسه آزادی و رفاه مردم است. سرانجام مطلوب سرنگونی رژیم اسلامی تنها میتواند یک جامعه آزاد، برابر و شاد باشد. در این چارچوب انقلاب مردم کم دردترین راه سرنگونی رژیم اسلامی است. حزب کمونیست کارگری خواهان سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و استقرار یک جمهوری سوسیالیستی است.

۴ فوریه ۲۰۰۳

همانگونه که این اتفاق اخیراً در بریتانیا افتاد، پیش بردن این جنگ غیر ممکن خواهد بود. از این گذشته شرکت در اینگونه تظاهرات ها این امر را تایید میکند که تا چه حد انسان ها ی مترقی در تلاش برای بدست گرفتن سرنوشته خود سهمیم هستند و به بازپهای ضد انسانی دولت ها بی اعتماد.

آرزو: می دانیم که اخیراً ماموران آتش نشانی در انگلستان دست به اعتصاب های زنجیری زده اند ، برخورد دولت در این زمان خاص با آنها چگونه بوده است ؟ رضا: اعتصاب آتش نشانا آقدر عرصه را بر دولت تنگ کرده است که تاژکیها سیاستمداران دولتی با زبان توهین آمیزی با کارکنان آتش نشانی حرف می زنند و می گویند که آنها یک عده احق هستند که مایه ننگ جامعه اند چرا که در این برهه زمانی که شروع جنگ آمریکا و انگلیس علیه مردم عراق است دست به اعتصاب زدند. باید به «تونی بلر» و دولتش گفت که سیاست جنگشان مایه ننگ انسان مترقی است ، شما خودتان قضاوت کنید اعتصاب کارگران برای کمی ، حقوق بیشتر مایه ننگ انسان هاست یا بمب و کشتار انسانهاو محاصره اقتصادیشان؟

آرزو: به عنوان یک جوان کمونیست چه پیمایی به دیگر جوانان در این رابطه داری ؟

رضا: یکی از اهداف این جنگ و این سیاست حکومت های غربی این است که بگویند انسانها نقشه در تعیین سرنوشته‌شان ندارند و هر چه هست ارتش و جنگ و خونریزی و نهایتاً قبول شرایط موجود است . ما جوانان کمونیست خود را به آن مبارزه رادیکال و سازماندهی شده متعلق میدانیم که سیستم موجود را زیر و رو کرده و جامعه ای بنا بر ارزش های انسانی می سازد، جامعه سوسیالیستی.

منصور حکمت:

مارکسیسم و جهان امروز

توسعه بوده است. بعنوان نمونه، ملل بازار آزاد برای سرمایه داری و بورژوازی روسیه پس از وقوع انقلاب کارگری اکتبر ایدآ آلتراستو مکن و کارآمدی نبود. تاریخ بخش اعظم کشورهای عقب افتاده تر (یا حتی کشورهای مانند ژاپن) شاهد این واقعیت است که حتی تشکیل بازار داخلی کار و کالا در مراحل اولیه و یا شکل دادن به یک پایه صنعتی اولیه و مقدماتی، کنار زدن موانع پیشاسرمایه داری و نظیر آنها، بدون دخالت از بالا در مکانیسم بازار ممکن نبوده است. تاریخ خود سرمایه داری غربی پر از مقاطعی است که دولت ناگزیر به دخالت در مکانیسم بازار برای فائق آمدن به کسادی ها و بحران ها و یا بازسازی های تکنولوژیکی بوده است. همین امروز کلمات رقابت و بازار آزاد نمیتواند، بدون تعدیلات مهمی در این مفاهیم، برای توصیف مشخصات سرمایه داری غربی بکار برود زیرا دولت و انحصارات غیر دولتی نقش ساختاری اساسی در جهت دادن به حرکت سرمایه تعیین شاخصهای اقتصادی نظیر قیمت، ترکیب تولید، نرخ رشد، سطح اشتغال و غیره دارند.

سرمایه داری غربی ارجحیت ملل اقتصادی غرب را بر شرق اعلام میکنند، چه با ملاک مفروضات جامعه سرمایه داری و چه از نظر شاخصهای کمی عملکرد اقتصادی دو بلوک در یک مقیاس وسیعتر تاریخی، کاملاً حق دارند. ملل اقتصادی شوروی، بعنوان یک مدل اصلاح شده سرمایه داری، نتوانست چهارچوب مناسب تر و کارآمدتری برای انباشت سرمایه و تحفیظ تناقضات درونی شیوه تولید مبتنی بر سرمایه بدست بدهد. مشخصه اصلی سرمایه داری ملل شوروی تلاش برای دور زدن مکانیسم بازار توسط یک سیستم اداری بوده است. چیزی که تقابل برنامه و بازار اطلاق میشود. از بین بردن مکانیسم بازار ممکن است، مشروط بر اینکه کل بنیاد اقتصادی سرمایه داری، یعنی کالا بودن نیروی کار، برقرار یک سیستم ارزشی بعنوان منبای مبادله و توزیع محصولات میان بخشها و آماد مختلف جامعه، اقتصاد مبتنی بر پول و غیره بطور کلی برچیده شود. اما حفظ این روابط و در همان حال دور زدن بازار بعنوان ظرف تعیین مادی این روابط و مقولات و مکانیسی که آنها را به هم مرتبط میکنند، بدون اخلال جلی در کارکرد سرمایه داری ممکن نیست. آنچه

اتفاقی است که در شوروی افتاد. آنچه در شوروی رخ داد جایگزینی بازار با برنامه نبود، بلکه انتقال فونکسیونهای بازار به نهادهای تصمیم گیرنده اداری بود. در نظام سرمایه داری بازار (مستقل از حدود رقابت و انحصار) فونکسیونهای پیچیده و متنوعی را انجام میدهد. چه چیز باید تولید شود، چقدر باید تولید شود، چه تکنیکی باید بکار برود، چقدر باید مصرف شود، چه کسی باید مصرف کند، ظرفیتهای تولیدی، وسائل تولید و نیروی انسانی در چه ظرفیتی و در کدام

بخشها باید بکار بیافتد، ارزش و قیمت کالاها از نیروی کار تا وسائل تولید و مصرف در هر مقطع چیست، کدام سیستم تولید و مدیریت باید بکار برود، کدام نیازها باید تامین شوند و کدام نیازها باید انکار شوند، اقتصاد باید در چه جهت حرکت کند، کدام وسائل تولید باید از دور خارج شود، کدام تکنیک باید کنار گذاشته شود و غیره و غیره. بدرجه ای که جامعه از نظر صنعتی و تولیدی رشد میکند و محصولات و نیازها تنوع بیشتری پیدا میکنند، نقش بازار پیچیده تر و پیچیده تر میشود. دور زدن این مکانیسم و احاله تعیین این شاخص ها و نسبتها و جابجایی ها به نهادهای اداری، دیر یا زود سرمایه داری را به بن بست میرساند. برای دوره ای طولانی ادعای شوروی این بود که برخلاف غرب با پدیده هایی نظیر بحران های اداری و بیکاری روبرو نیست. اما برای سرمایه داری این بحران ها، بیکاری ها و رکودها و رونق های دوره ای، مکانیسمهای بازار برای تطبیق دادن سرمایه با تناقضات اقتصادی بنیادی تری هستند. اینها روشهای تطبیق سرمایه با رشد نیروهای تولیدی در متن این نظامند، مکانیسمهایی هستند که در آن سرمایه خود را بازسازی میکند و با رشد کمی و کیفی (تکنولوژیکی) نیروهای تولیدی کنار میآید. همه شیوه های تولیدی در طول تاریخ، هر قدر استثمارگرانه و طبقاتی، در تحلیل نهایی سازمانی برای گسترش حجم تولید، رشد تکنولوژی تولید، و رفع نیازهای اقتصادی بوده اند. اگر امروز اساساً بشود چیزی درباره اقتصاد شوروی گفت اینست که این مدل، در مقطع معینی از این نظر به بن بست رسید. تجربه شوروی نشان داد که بازار خود کارآمدترین ابزار محاسبه اقتصادی و تنظیم معادلات اقتصادی در نظام سرمایه داری است و حتی اگر تحت شرایط خاصی دور زدن مکانیسم بازار و احاله فونکسیون های آن به یک سیستم ابلاغ اداری، میان برهای اقتصادی معینی را ممکن کند، در دراز مدت رشد تکنیکی و تنوع نیازهای تولیدی و مصرفی جامعه سرمایه داری، این روش را به بن بست میرساند.

میرساند. امروز بازار از سیستم اقتصادی شوروی انتقام بگیرد. بحران های ناشی، بیکاری های پنهان شده، قیمتهای پائین نگذاشته شده، صنایع سوسید گرفته و غیره بناگاه جای خود را به بیکاری های میلیونی، تورم سرسام آور و کارخانجات عاطل مانده میدهد. معلوم میشود در تمام این مدت منطق بازار نقیاً حکم خود را رانده است. مدل شوروی، آنچه بدرجه زیادی بدلیل قدرت بسیج ایندولوژیکی و سیاسی ناشی از آویزان شدن به میراث انقلاب کارگری اکتبر، در رشد اولیه صنعت در این کشور و شکل دادن به زیرساختهای اقتصادی کارایی داشت. بویژه مادام که رشد تولید اساساً به مصرف بیشتر نیروی انسانی و کسب ارزش اضافه مطلق مبتنی بود و این نیروی انسانی از بخش روستایی قابل تامین بود، اشکالات این سیستم برجسته نمیشد. اما فراتر از این مرحله، بویژه هنگامی که تولید ارزش اضافه نسبی از طریق بهبود تکنیک تولید اهمیت پیدا میکند، آنجا که

نیازهای جامعه اعم از مصرفی و تولیدی تنوع زیاد پیدا میکند، آنجا که مساله مرغوبیت محصولات چه در تولید و چه در مصرف مهم میشود، این سیستم ضعف اساسی خود را به نمایش میگذارد. شوروی از سهم شدن در انقلاب تکنیکی دو دهه اخیر ناتوان ماند. مدل شوروی، ظرفیت تامین نیازهای مصرفی و تولیدی متنوع یک اقتصاد پیشرفته صنعتی را نداشت. بنابراین از نقطه نظر سرمایه این مدل قابل استفاده نیست و مدل غربی، سرمایه داری متکی بر نقش محوری بازار، هنوز تنها مدل کارآمد و ممکن محسوب میشود. ممکن است گفته شود جامعه شوروی جامعه عادلانه تری بود. تامین اجتماعی و امنیت اقتصادی بیشتر بود، شکاف طبقاتی کمتر بود و غیره. از نقطه نظر بورژوازی غربی، عدالت اقتصادی لزوماً شاخص بهتر بودن یک جامعه نیست. جناح چپ بورژوازی، سوسیال دموکراسی و گرایشات پیرامونی اش، اساساً برای اجتناب از شورش فقرا در مهد صنعت و مدنیت این مقوله را وارد سیستم اقتصادی خود کرده بود و همیشه به موقع با مطالعه افت و خیز منحی نرخ سود دست از آن کشیده است. ما هم، بعنوان کمونیست و کارگر، برای عدالت اقتصادی آلتراستو خودمان را داریم. مساله ما اولاً، ایجاد نظامی است که روی این عدالت اقتصادی بنا شده باشد، این عدالت اقتصادی را دانما را بازتولید کند و اساساً بر آن مبنا شکوفا بشود. چهل سال "عدالت" در استفاده از امکانات محدود آتهم به قیمت کار شاق و بعد به فقر و بیکاری مطلق کشیده شدن و در دست ارتجاع اقتصادی و سیاسی و فکری از قفس گریخته رها شدن، مایه خوشبختی ما نمیتواند باشد. ثانیا، ما

برای رشد اقتصادی، پیشرفت تکنیکی و گسترش ظرفیتهای تولیدی و بالا رفتن سطح مصرف و رفاه و فراغت جامعه انسانی ارزش حیاتی قائلیم. تقسیم کمبودها آلتراستو ما نیست. هر کمبودی باشد قطعاً باید همه بارش را بدوش بگیرند، اما سوسیالیسم اقتصاد گسترش امکانات انسانها و اقتصاد تامین هرچه بیشتر نیازهای مادی و معنوی آنهاست.

اما در مورد وجه دوم سوال. در قبال این ادعا که سرمایه داری، حال مدل غربی و "پرویز" آن، بهترین و کارآمدترین نظام تاکنون موجود و مقدر برای انسان بوده است چه میشود گفت. نظام اقتصادی بسیار بهتری برای زندگی بشر در تمام طول قرن حاضر ممکن و مناسب بوده است. اگر بشر امروز در مناسبات سوسیالیستی زندگی نمیکند برای اینست که نظام کهنه با چنگ و دندان، با کشتار و شکنجه و ارباعب و تحمیق و تفرقه افکنی، از خودش دفاع میکند. این نظام بهتر تعریف شده است. میلیونها انسان برای این نظام جنکیده اند و میجنگند. این ادعا که سرمایه داری بهترین نظم اقتصادی است، بزرگترین دروغ تاریخ بشر است. کثافت از سر و روی این نظام مبارد. در حالی که صدها میلیون انسان مسکن ندارند، بهداشت ندارند، مدرسه ندارند، خوشی ندارند و حتی پخشا غذا ندارند، وسائل تولید و تامین این نیازها عاطل و باطل

افتاده است و دهها میلیون انسان که قادرند این وسائل را بکار بگیرند و این کمبودها را برطرف کنند بیکار نگاهداشته شده اند. عده ای را گماشته اند تا اگر کارگران سرخود به این وسائل چنگ بیاندازند به سینه شان شلیک کنند.

پلیس در مهد تمدن غربی معدنچی ای راکه میخواهد سوخت تولید کند کتک میزند و به زندان میاندازد. کوههای کره و گنم در انبارهای جامعه اقتصادی اروپا میسند و قدری آن طرف تر مردم دارند از قحطی میمیرند. لازم نیست از فحشاء و فقر و بیخانمانی و قحطی یا از موقعیت مردم در کشورهای عقب افتاده مثال بزنیم. در خود آمریکا ۳۰ میلیون فقر زیر سطح فقر زندگی میکنند، ۱۰ میلیون کودک فاقد بیمه درمانی اند، از نیویورک تا لوس آنجلس بی مسکنی پیدا میکند. فحشاء در کل جهان یک روش امرار معاش و سازماندهی فحشاء و تولید و توزیع مواد مخدر بیک روش پر افتخار مال اندوزی است. در انگلستان منت گذاشته اند و در زمستانها ایستگاههای مترو را شب باز میگذارند تا مردم بی مسکن از سرما نمرند. این جامعه بدون کار خانگی و فرودستی زن در صحنه اقتصادی نمیتواند روی پای خودش بایستد. این جامعه کودکان را بکار میکشد. پیران را دور میاندازد. بدون بکشت دادن و معلول کردن و فرسوده کردن نمیتواند تولید کند. این جامعه بدون انکار انسان بودن اکثریت ساکنین کره زمین و بدون چشم بستن به نیازهای اولیه آنها، از غذا و بهداشت و مسکن و امنیت اقتصادی تا فراغت و دانش و هنر، نمیتواند تعادل خود را حفظ کند.

مهم تر از همه، اساس این جامعه این واقعیت شرم آور است که بخش وسیعی از آن، اکثریت آن، برای زندگی کردن در جهانی که به آن چشم باز کرده اند باید توانایی بدنی و فکری خود را به اقلیتی بفروشند. تولید مایحتاج و وسائل زندگی انسانها به سودآوری سرمایه گره خورده است. این واقعیت ریشه همه این نابرابری ها و محرومیت هاست. کار مزدی، تقسیم جامعه به کارگر و سرمایه دار، به مزد بگیر و مزد بده و تنزل دادن کار، بعنوان یک فعالیت مراد و خلاق، به "شغل" بعنوان روش امرار معاش، بخودی خود حکم ورشکستگی این نظام است. بنظر من کسی که نظام اقتصادی موجود را بهترین و ممکن ترین نظم مینامد دارد به توحش خودش اعتراف میکند. واقعیت اینست که بویژه با نقد مارکس به سرمایه داری، بشریت ضرورت و امکانپذیری یک نظام اقتصادی و اجتماعی برتر را اعلام کرده و حتی خطوط اساسی چنین جامعه ای را ترسیم کرده است. جامعه ای متکی بر برابری و آزادی کامل انسانها، جامعه ای مبتنی بر تلاش خلاقانه همگانی برای تامین نیازهای بشری، جامعه ای که در آن وسائل تولید دارای مشترک همه مردم باشد. جامعه ای جهانی بدون طبقات، بدون تبعیض، بدون کشور و بدون دولت مذهبهاست مقدر است. خود سرمایه داری مبداهات مادی این نظام اقتصادی نوین را فراهم کرده است.

در شماره ۷۴ سه سوال اول گفتگوی نشریه آلتراستوینوال با منصور حکمت را چاپ کردیم. در این شماره سوال چهارم و پاسخ آنرا میخوانید. متن کامل این اثر مهم را میتوانید در سایت بنیاد منصور حکمت مطالعه کنید. یاد آور میشوم که این متن اول بار در اسفند ۱۳۷۰، مارس ۱۹۹۷ در شماره اول آلتراستوینوال منتشر گردید.

آلتراستوینوال: یک وجه عمده تعرض

ضد سوسیالیستی ای که در جریان است وجه اقتصادی است. سقوط شوروی به رواج این حکم میدان داده که سرمایه داری و بازار بهترین، کارآمدترین و مقدرترین الگوی اقتصادی ای است که جامعه بشری در طول تاریخ به آن دست یافته است. شما بعنوان یک مارکسیست چه پاسخی به این ادعا دارید؟

منصور حکمت: دو موضوع را

اینجا باید از هم تمیز داد. یکی مقایسه عملکرد مدل‌های مختلف سرمایه داری در غرب و شرق است و دوم مقایسه سرمایه داری (چه رقابتی و چه غیر از آن) با سوسیالیسم بعنوان یک آلتراستو اقتصادی و اجتماعی. سوسیالیسم به معنی مورد نظر مارکسیستها تا امروز عملاً جایی برپا نشده است. ما معتقد نیستیم که نظام اقتصادی در شوروی در هیچ مقطعی از دیدگاه کارگری و مارکسیستی میتوانسته سوسیالیستی اطلاق بشود. بنابراین به مساله سرمایه داری و سوسیالیسم بعداً میپردازم و ابتدا به نکاتی راجع به مدل‌های مختلف توسعه سرمایه داری در غرب و شرق اشاره میکنم.

آیا سرمایه داری متکی به بازار و رقابت "بهترین، کاراترین و ممکن ترین" الگوی اقتصادی برای جامعه است که تاکنون عملاً وجود داشته است؟ برای آنکه اصولاً بتوان به این سوال پاسخ داد باید ملاک تعریف شده ای برای قضاوت بهتر و بدتر بودن و کارآمد بودن و نبودن سیستم های اقتصادی داشت. این کلمات شدیداً سوژیکتیو و نامعین اند، زیرا بسته به اینکه مفسر چه انتظاری از الگوی اقتصادی داشته باشد ملاک تشخیص میتواند متغیر باشد. این در خود علم اقتصاد بورژوازی مدتها یک موضوع مورد بحث بوده است. رشد کمی اقتصاد، رشد تکنیکی، نحوه توزیع ثروت، پایه صنعتی، سطح اشتغال، مرغوبیت محصولات، سطح دکلاهی و یا موقعیت محکم در بازار جهانی و غیره در خود مکاتب مختلف اقتصاد بورژوازی بعنوان ملاکهای مختلف و حتی متناقضی برای تعریف الگوهای تولیدی بهتر و بدتر بکار رفته اند و مکاتب اقتصادی و احزاب سیاسی بورژوازی مختلف را به چل با هم کشیده اند. در قبال صفات "کارترترین و ممکن ترین" مدل اقتصادی میشود پرسید "کارترترین و ممکن ترین" الگوی اقتصادی برای چه جامعه ای، در چه دوره ای و با چه معضلاتی؟ این بویژه یک مساله قدیمی اقتصاد

از صفحه ۸ با شما نیز همان خواهیم کرد!

میخواستند که در قرن بیستم خبری از ساواک و شاه و شهبانو و همه این لشکر مفتخوران نباشد. آنها میخواستند که زندگی آزاد و برابر برای خود و کودکانشان درست کنند. آنها قطعاً نخواستند که از زیر بار ساواک خارج و زیر دست ساواما بیفتند. آنها امت مسلمان نبودند درست به همان اندازه که امروز مردم "امت مسلمان" نیستند!

آنها برای برقراری "حکومت خدا" قیام نکردند!

آنها قطعاً نمیخواستند که آیات ارتجاعی قرآن و توضیح المسائل خمینی رابطه انسانها با یکدیگر را تعیین کند. آنها نمیخواستند که ابلترین مرتجعین مسلمان بر ذره ذره و لحظه به لحظه زندگی خود و فرزندانشان حکم براند. آنها نمیخواستند که زنان نصف انسان باشند. آنها نمیخواستند که عشق و بوسه سنگسار شود. آنها پرچم آزادی و برابری و نه پرچم ارتجاع اسلامی را در دست داشتند. هیچکسی داوطلبانه امضا پای حقارت و سرکوب خود نمیگذازد و به طبع آن نسلی که قیام کرد و شاه را سرتگون کرد. این ارتجاع اسلامی را نمیخواست.

آنها قیام نکردند تا "حکومت طاغوتی" شاه را سرنگون کنند!

قیام آنها علیه حکومت سرمایه‌داری شاه بود. رژیم اسلامی حکومت شاه را "طاغوتی" نامید تا ارکان سرمایه‌دارانه حکومت شاه را حفظ کند، آنرا "طاغوتی" نامید تا ارتش شاه، دستگاه سرکوب آن، زندان آن و ساواکی‌ها را از دست مردم رها سازد. قیام مردم علیه حکومت سرمایه‌دارانه شاه با تمام جوانیش بود. اعتصاب کارگران نفت رگ درآمد رژیم سرمایه‌دارانه شاه را بست و قیام مردم در ۲۲ بهمن یادگانه و مراکز نظامی رژیم سرکوب سلطنتی را به تسخیر خود در آورد. این واقعیتی است که روز ۲۲ بهمن اتفاق افتاد.

جمهوری اسلامی را قیام مردم سرکار نیاورد!

جمهوری اسلامی ضد قیام بهمن بود. آرزوهای "لیبرال-اسلامی" های دیروز تا "مصدینگو" و همه همکاران امروز جمهوری اسلامی فریاد زنده که

معترض و سوسیالیست، هزاران زن مبارز و آزادی طلب به جوخه اعدام سپرده شدند. بخش بزرگی از نسلی که قیام کرده بود یا به جوخه اعدام سپرده شد یا در زندانهای به ارث برده شده از رژیم شاه شکنجه و وادار به سکوت شد. امروز ۲۵ سال بعد از قیام بهمن مردم و جوانان، زنان و کارگران یکبار دیگر یقه رژیمی دیگر را گرفتند. این انقلاب مردم علیه رژیم اسلامی است. این یاد تک تک آن عزیزانی است که روز ۲۲ بهمن کشته شدند، این یاد تک تک آن عزیزانی است که به دست رژیم اسلامی کشته یا شکنجه شدند. خواستهای ما امروز همان خواستهای نسلی است که به خود جرات داد و علیه رژیم شاه قیام مسلحانه کرد.

روز ۲۲ بهمن متعلق به رژیم اسلامی نیست. بگذارید که این روز روز "عزای عمومی" سلطنت طلبان و رژیم سابقی ها باشد، روز عزای ما نیست. این روز را باید به روز تاکید مجدد بر خواستههایمان بدل کنیم.

مراسم رژیم که بخودی خود تحریم شده است، در این روز اما نباید در خانه ماند، باید شیک پوشید و به خیابان رفت باید نشان داد که ما پا در راهی که نسل گذشته گشود نهاده‌ایم. باید اعلام کرد که ما آزادی می‌خواهیم، برابری می‌خواهیم. ما با شما همان خواهیم کرد که در ۲۲ بهمن با رژیم سابق کردیم!

طول موج رادیو انترناسیونال

برنامه های رادیو انترناسیونال، روی طول موج زمستانی ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز ساعت ۹ شب به وقت تهران پخش میشود.

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10

0044 776 110 66 83

0049 171 15 47 661

0046 736 50 80 40

001 416 69 80 358

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

001- 416 434 15 45

fax:001 416 434 154 5

bahram-modarresi@web.de

دانمارک:

شیوا فرمند

انگلستان:

سرور ملائکه

آلمان:

امید چوری

سوئد:

آزاد خدری

کانادا:

مهدی شهابی

ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج:

مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی:

بهرام مدرسی

مشاور دبیر:

ثریا شهابی

آدرس پستی:

Jawanan

Postfach 620 515

نئ میل:

10795 Berlin

Germany

محل ملاقات و گفتگو با شما!

امید خدابخشی



با یک کلیک در قسمت بالای صفحه از این پس از طریق نئ میل تان با دیگران تبادل نظر کنید. این گروه محلی است جالب برای تبادل نظر، بحث، انتقاد و اطلاع رسانی. اگر هنگام ورود به این گروه با مشکلی برخوردید با نئ میل من تماس بگیرید:

omidimadk@yahoo.com

groups.yahoo.com/group/javananekomunist

از صفحه ۸

تظاهرات در لندن

حکومت خاتمی، مجبور شد بخاطر طنین شعاردادنها در سالن، به تظاهرات حزب کمونیست کارگری اشاره کند، اما تلاش کرد آنرا کم اهمیت جلوه دهد. غیر قابل انتظار نیست. اینها دارند از قبل همین موذیکریها نان میخورند. مردم حاضر در میدان که توجّهشان به سخنرانیها و شعارها جلب شده بود با علاقه اعلامیه‌ها را می‌گرفتند و به شیوه‌های مختلف همبستگی خود را ابراز میکردند. بعد از حدود دو ساعت وقتی خرازی را با سرعت از ساختمان خارج کردند و سوار اتومبیل نمودند، بار دیگر شعار دادن‌ها اوج گرفت و میدان سنت جیمز را طنین شعار بر علیه جمهوری اسلامی فرا گرفت. خرازی با سرعت از میدان برده شد اما مردم همچنان ایستاده بودند و به سخنرانیها و افشاکاری بر علیه جنایتکاران اسلامی ایران گوش میدادند. تظاهرات حدود ساعت پنج و نیم بعد از ظهر با قرار ملاقات برای ادامه تظاهرات در روز بعد روبروی پارلمان بریتانیا، با کف زدن و شور و شوق حاضرین پایان یافت. حزب کمونیست کارگری ایران - واحد بریتانیا ۱۶ بهمن مه ۱۳۸۱

پرچم‌ها و پلاکاردهای بزرگی با مضمون اعتراض به اعدام و تبعیض علیه زنان و حقوق سیاسی در ایران و دفاع از سوسیالیسم و آزادی، از دور به چشم می‌خورد. یگانهای پلیس ضد شورش پیش از تظاهرات سالن "چاتام هاوز" محل حضور خرازی را به محاصره در آورده بودند، و بلافاصله تظاهرات کنندگان را نیز با زده آهنی محصور کردند تا به وزیر حکومت جانپان گزندی نرسد. وقتی خرازی با اسکورت پلیس به ساختمان نزدیک شد، یکی از پناهجویان خشمگین تلاش کرد با شعار دادن به او نزدیک شود، اما پلیس بلافاصله او را دستگیر کرد. شعار دادن به اوج خود رسیده بود. تعدادی از خبرنگاران مشغول فیلمبرداری بودند. مردم حاضر در میدان متوقف شده بودند تا به شعارهای تظاهرات کنندگان گوش دهند. صدای سخنرانیها و شعارهای تظاهرات کنندگان به حدی بود که در درون سالن سخنرانی خرازی نیز به گوش میرسید. (رادیوی بی بی سی در گزارش طبق معمول جانبدارانه اش نسبت به جمهوری اسلامی و

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر mosaber@yahoo.com

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

از این سایت ها دیدن کنید:

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!